



## چرا رییس جمهور در بیست و هشتمین روز تکه تکه شد؟

معلم، وزیر آموزش و پرورش، اولین نخست وزیر و دومین رییس جمهور ایران. مردی با ته ریش و سیبل که برای رفتن به دیدار دوستانش از دست محافظانش فرار می کرد.

معلم، وزیر آموزش و پرورش، اولین نخست وزیر و دومین رییس جمهور ایران. مردی با ته ریش و سیبل که برای رفتن به دیدار دوستانش از دست محافظانش فرار می کرد. ۲۸ روز بعد از رییس جمهور شدن به فجیع ترین شکل ممکن در دفتر نخست وزیری همراه با نخست وزیر محبوبش تکه تکه شد.

به گزارش ایسنا، امروز دوم مردادماه چهلمین سالگرد انتخاب محمدعلی رجایی به عنوان دومین رییس جمهور ایران در سال ۱۳۶۰ است.

با رد همه پیشنهادهای سیدابوالحسن بنی صدر برای نخست وزیری، شورایی مشترک بین مجلس و دولت تشکیل شد و محمدعلی رجایی را از بین سه نامزد تعیین شده انتخاب و به مجلس معرفی کرد و رجایی در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ با ۱۵۳ رای موافق، ۲۴ رای مخالف و ۱۹ رای ممتنع اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران شد.

با ادامه یافتن تنشها بین بنی صدر و نیروهای انقلاب و رای مجلس به عدم کفایت سیاسی وی و عزل او از ریاست جمهوری، مردم ایران در کمتر از پنج ماه بعد بار دیگر پای صندوق رای رفتند و در دومین انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند و از بین چهار نامزد ریاست جمهوری، نخست وزیر محمدعلی رجایی را با بیش از ۱۳ میلیون رای به عنوان دومین رییس جمهوری ایران انتخاب کردند.

### غائله اولین رییس جمهور

سیدابوالحسن بنی صدر پس از ورود به ایران در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاه صنعتی شریف با حکم امام خمینی تا پایان ماموریت، عضو شورای انقلاب اسلامی شد. او مدتی بعد به معاون وزیر اقتصاد و دارایی شد و در پی استعفای دسته جمعی دولت موقت دکتر مهدی بازرگان مدتی به سمت وزیر اقتصاد و دارایی منصوب شد.

با قبول استعفای دولت موقت از سوی امام خمینی و در خلاء حضور شورای نگهبان که ۲۶ تیر ۱۳۵۹ تاسیس شد، شورای انقلاب مسؤول برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شد. ۹۶ نفر نامزد انتخابات ریاست جمهوری شدند. بنی صدر هم یکی از نامزدها بود و اصلی ترین رقیب او یعنی حزب جمهوری اسلامی به علت تاکید آیت الله خمینی بر دوری روحانیون از امور اجرایی نتوانست کاندیدای قدرتمندی برای رقابت با او معرفی کند و کاندیدای مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی یعنی جلال الدین فارسی که افغانی الاصل بود به علت منع قانونی، از انتخابات ریاست جمهوری کناره گرفت. بنی صدر پس از دیدار با امام خمینی نامزدی خود در انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد و جامعه روحانیت مبارز از نامزدیش حمایت کرد.

در میان تایید صلاحیت شدگان سیدابوالحسن بنی صدر با حدود ۱۱ میلیون رای پنجم بهمن ماه ۱۳۵۸ با کسب ۷۶ درصد آرا شرکت کنندگان به عنوان اولین رییس جمهور ایران انتخاب شد. سه هفته بعد از رییس جمهور شدن سیدابوالحسن بنی صدر، امام خمینی مسؤولیت فرماندهی کل قوا را نیز بر عهده او گذاشت.

با برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۵۸، حزب جمهوری اسلامی اکثریت مجلس را در دست گرفت و به رقیب فکری جدی رییس جمهور تبدیل شد. کنت کاترمن دلیل مخالفت حزب جمهوری اسلامی با بنی صدر را دو عامل دانست. اول، مخالفت بنی صدر با حضور روحانیون در امور اجرایی و در ترکیب دولت و دوم حمایت او از سازمان مجاهدین خلق.

تنش جدی بین حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر در معرفی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی رقم خورد. مجلس همه پیشنهادهای بنی صدر برای نخست وزیری را رد کرد. این اتفاق موجب تشکیل شورایی مشترک بین مجلس و دولت شد. راه حل این شورا، محمدعلی رجایی برای این سمت بود، تصمیمی که با وجود مخالفت بنی صدر اجرایی شد به این ترتیب پای محمدعلی رجایی به عنوان نخست وزیر به نهاد ریاست جمهوری کشور باز شد.

انتخاب محمدعلی رجایی به عنوان نخست وزیر اولین و آخرین تنش بین بنی صدر و نیروهای انقلاب نبود. تنش بین او و حزب

جمهوری اسلامی به انتخاب و معرفی اعضای کابینه به مجلس، کشیده شد مدتی بعد و با آغاز جنگ، مخالفت بنی صدر با نیروهای انقلابی به ویژه در بی توجهی عمدی به تامین نیازهای جبهه های جنگ به سرعت موجب تنزل جایگاه بنی صدر نزد بنیانگذار جمهوری اسلامی و خلع او از فرماندهی کل قوا در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۵۹ شد.

ادامه تنش بین بنی صدر و نیروهای انقلاب به سخنرانی او در سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق در دانشگاه تهران منجر شد. او در این مراسم بدون ارائه هرگونه سند مستندی مدعی شکنجه زندانیان در زندانهای کشور شد که این سخنرانی حاشیه های زیادی به دنبال داشت از جمله تظاهرات حامیان و مخالفان بنی صدر در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ بود. در آن مراسم حامیان بنی صدر تصاویری از مرحوم محمد مصدق، آیت الله محمود طالقانی و آیت الله سیدکاظم شریعتمداری در دست داشتند و مخالفان بنی صدر تصاویر بزرگی از امام خمینی در دست داشتند.

پنج روز پس از عزل سیدابوالحسن بنی صدر از فرماندهی کل قوا، مخالفان بنی صدر در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ تظاهرات اعتراضی گسترده ای در تهران و دیگر شهرهای ایران برگزار کردند و خواستار محاکمه و اعدام او شدند. یک روز بعد برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح دو فوریتی برای سلب کفایت سیاسی رییس جمهور در مجلس تهیه و به جریان انداختند و با تصویب کلیات طرح، ظرف مدت پنج روز جزییات طرح بحث داغ روز شد و در آخر در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۵۹ مجلس با اکثریت قاطع آراء عدم کفایت سیاسی بنی صدر را تصویب کردند و با رسیدن خبر عزل سیاسی بنی صدر از ریاست جمهوری به امام خمینی، ایشان حکم عزل او از ریاست جمهوری را پس از گذشت حدود پنج ماه از ریاست جمهوری بنی صدر طبق قانون اساسی صادر کردند.

پس از عزل سید ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری شورایی سه نفره متشکل از اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و محمدعلی رجایی برای اداره کشور تشکیل شد این شورا با انتخاب و معرفی حجت الاسلام محمدرضا مهدوی کنی به عنوان کفیر ریاست جمهوری زمینه برگزاری زودهنگام دومین انتخابات ریاست جمهوری را به وجود آوردند.

#### انتخاب دومین رییس جمهور

محمدعلی ۲۵ خرداد ۱۳۱۲ شمسی در شهر قزوین متولد شد. پدرش عبدالصمد، پیشه ور بود و در بازار قزوین مغازه خرازی فروشی داشت. او در چهار سالگی محمدعلی درگذشت و تامین مخارج زندگی به دوش مادر، دایی و برادرش که ۱۰ سال از او بزرگتر بود، افتاد.

محمدعلی تا ششم ابتدایی درس خواند و بعد از آن ترک تحصیل کرد و در مغازه خرازی فروشی داییش، شاگردی کرد. در ۱۴ سالگی برای یافتن کار به تهران نزد برادرش که زودتر از او به تهران مهاجرت کرده بود، مهاجرت کرد. ابتدا در بازار آهن فروشان مشغول کار شد و به علت سنگینی کار مدتی بعد به دستفروشی روی آورد. او بعد از دستفروشی دوباره به بازار تهران برگشت و در چند حجره به شاگردی پرداخت.

نیروهای هوایی ارتش شاهنشاهی در سال ۱۳۳۰ جوانانی را که مدرک ششم ابتدایی داشتند با درجه گروهبانی استخدام می کرد. رجایی داوطلب خدمت در این نیرو شد. سه ماه از دوره آموزشی گروهبانی را گذرانده بود که با گروه فداییان اسلام آشنا شد و در جلسات این گروه شرکت کرد و به پیشنهاد لطف الله میثمی و محمدعلی لطفیان سرگزی همکاری با اعضای این گروه را آغاز کرد.

گروهیان رجایی پس از طی کردن دوره آموزشی در نیروی هوایی و دریافت درجه گروهبانی، در کنار کار به تحصیل ادامه داد و در سال ۱۳۳۲ دیپلم گرفت و قصد شرکت در کنکور سراسری داشت اما چون در شهریور ماه دیپلم گرفته بود نمی توانست در آزمون ورودی دانشگاه شرکت کند به همین دلیل به شهرستان بیجار مهاجرت کرد و در یک دبیرستان دبیر زبان شد.

با اتمام سال تحصیلی، به تهران بازگشت و در دانشسرای عالی تربیت معلم به تحصیل پرداخت و سپس به دانشسرای عالی رفت و پس از دو سال، مدرک کارشناسی ریاضی گرفت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ابتدا به شهرستان ملایر رفت اما با رییس آموزش و پرورش اختلاف پیدا کرد و به خوانسار رفت و مشغول تدریس شد و با پایان سال تحصیلی به تهران برگشت و با موفقیت در آزمون دوره فوق لیسانس در رشته آمار مشغول به تحصیل شد و هم زمان در مدرسه کمال تدریس کرد.

رجایی همزمان با ورود به نیروی هوایی ارتش با جلسات مرحوم طالقانی در مسجد هدایت تهران آشنا شد و نزدیک به ۲۷ سال در جلسات او شرکت کرد. رجایی در جلسات مرحوم طالقانی، با مهدی بازرگان و یدالله سجابی، از فعالان سیاسی ضد پهلوی، آشنا شد و در سال ۱۳۳۹ شمسی در دبیرستان کمال تهران به ریاست یدالله سجابی معلم شد. دبیرستان کمال در مناسبت های مذهبی از فعالان سیاسی ضد حکومت پهلوی مانند شهید بهشتی، مطهری، مرحوم مهدی بازرگان و محمدتقی شریعتی

برای سخنرانی دعوت می کرد. رجایی در سال ۱۳۴۶ به دلیل اختلاف نظر با یدالله سبحانی در اداره مدرسه، همکاری خود با دبیرستان کمال را قطع کرد.

او پس از کناره گیری از دبیرستان کمال در سال ۱۳۴۶ با کمک اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر، بازماندگان هیات مؤتلفه اسلامی و گروهی از تاجران، مؤسسه خیریه رفاه و تعاون را تأسیس کرد. هدف از تشکیل این مؤسسه در ظاهر کمک به نیازمندان و در حقیقت کمک مالی به خانواده های زندانیان سیاسی بود. این مؤسسه متشکل از مدارس سه گانه دبستان، راهنمایی و دبیرستان بود و بیشتر اعضای هیات مدیره و معلمان آن، دارای گرایش های سیاسی بودند و علیه حکومت پهلوی فعالیت سیاسی داشتند.

رجایی از اعضای هیات مدیره و مدیر مدرسه رفاه بود. این مدرسه در پی بازجویی های حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۳ منحل شد البته از محل مدرسه رفاه در روزهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برای بازداشت و نگهداری سران حکومت پهلوی و نیروهای ساواک استفاده شد.

او در سال ۱۳۴۱ با عاتقه صدیقی معروف به پوران رجایی، دختر یکی از بستگانش ازدواج کرد. صدیقی در سال ۱۳۴۹ به تشویق رجایی وارد فعالیت های ضد حکومت پهلوی شد و پس از پیروزی انقلاب در مجالس دوم و سوم، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی شد.

او هنگامی که در مدرسه احمدیه تهران، از مدارس تحت مدیریت جامعه تعلیمات اسلامی با مدیریت عباس لطفیان سرگزی درس می خواند به عضویت گروهی به نام شیعیان درآمد. گروه شیعیان توسط برخی دانش آموزان مدرسه تأسیس شده بود و فعالیت های فرهنگی و آموزشی داشت.

همکاری با گروه های ضد حکومت پهلوی

محمدعلی رجایی با گروه های سیاسی مخالف حکومت پهلوی با گرایش های مختلف همکاری داشت از جمله با جمعیت فدائیان اسلام. او در زمان خدمتش در نیروی هوایی طی سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ با این آشنا شد و در جلسات آن شرکت کرد. به گفته رجایی او جذب این شعارهای فدائیان اسلام شد که می گفتند: «همه کار و همه چیز تنها برای خدا» و «اسلام برتر از همه چیز [است] و هیچ چیز برتر از اسلام نیست.» به گفته رجایی آن روزها بیشترین مبارزه مذهبی ها با توده ایها بود که او نیز در این زمینه فعالیت داشت.

او همچنین با نهضت آزادی ایران همکاری داشت. رجایی جزء اولین افرادی بود که پس از تأسیس این تشکل در سال ۱۳۴۰ در آن عضو شد و به یکی از اعضای فعال آن تبدیل شد. او یکی از عوامل انتشار اعلامیه های نهضت آزادی در شهر قزوین بود. رجایی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۲ توسط ساواک شناسایی و دستگیر شد بعد از ۴۸ روز و دادن تعهد برای استعفا از نهضت آزادی، آزاد شد.

او از این زمان به بعد، فعالیت های سیاسی ضد پهلوی و همکاری با جریان های سیاسی را ادامه داد اما دیگر به عضویت رسمی حزب و گروهی در نیامد. برخی دلیل آن را داشتن آزادی بیشتر برای ادامه فعالیت ها دانسته اند.

رجایی با سازمان مجاهدین خلق نیز همکاری داشت. او با بیشتر بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق از دوره دانشگاه و بعد از آن در جلسات سید محمود طالقانی آشنا بود. سعید محسن یکی از مؤسسان سازمان مجاهدین در سال ۱۳۴۷ به رجایی پیشنهاد عضویت در این سازمان را داد اما به گفته رجایی، به علت اختلاف برداشت نسبت به مبارزه، عضویت این سازمان نشد. با اینکه به عضویت سازمان مجاهدین خلق در نیامد ولی در برخی امور به آنها مشورت می داد. به گفته صدیقه عاتقی همسر رجایی سازمان به عنوان یک واسطه مهم روی او حساب می کرد. رجایی پس از مشاهده نشانه هایی از تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم همکاری خود را با آنان قطع کرد.

او در آذر ۱۳۵۳ به دلیل ارتباط با بنیان گذران سازمان مجاهدین خلق توسط ساواک دستگیر شد اما از افشای نام مخالفان حکومت پهلوی خودداری کرد و به مدت ۱۴ ماه شکنجه شد. بار دیگر در همان سال به دلیل ارتباط نزدیک با سازمان مجاهدین زندانی شد. به گفته خودش هفته ها تحت شکنجه قرار گرفت. سرانجام در روز عید غدیر خم در آبان ۱۳۵۷ پس از چهار سال زندانی، آزاد شد. مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی او را نمونه ای کم نظیر در تحمل شکنجه ها و افشا نکردن اسرار مبارزان می دانست.

رجایی بلافاصله پس از آزادی از زندان با تأسیس انجمن اسلامی معلمان به مبارزه علیه حکومت پهلوی ادامه داد. به محض

انتشار خبر قصد امام خمینی برای بازگشت به کشور به عضویت کمیته استقبال درآمد.

او پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری به عنوان نامزد دومین انتخابات ریاست جمهوری به رقابت با سیدعلی اکبر پرورش، عباس شیبانی و حبیب الله عسگرآولادی پرداخت و با حمایت اکثریت قریب به اتفاق احزاب و تشکلهای سیاسی و اجتماعی دهه ۱۳۶۰ موفق شد حدود ۹۰ درصد آرای شرکت کنندگان در این انتخابات را جلب کند. رای رجایی در انتخابات ۱۲ میلیون و ۷۷۰ هزار و ۵۰ رای از مجموع ۱۴ میلیون و ۵۷۳ هزار و ۸۰۳ رای بود.

محمدعلی رجایی در ۱۱ مرداد ۱۳۶۰ در حضور امام امت و مقامات لشکری و کشوری قسم یاد کرد و حکم ریاست جمهوری را به دست آورد. توسط سید روح الله موسوی خمینی به وی تنفیض شد و ۲۸ روز بعد در هشتم شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب توسط مسعود کشمیری از اعضای سازمان منافقین در دفتر نخست وزیری به همراه محمدجواد باهنر تکه تکه شد. نامش گرامی و راهش پر رهرو باد.

#### تنفیذ رجایی

امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۰ گفتند: «رغم تبلیغات دشمنان خارج و داخل، با اکثریت قاطع افزون از دوره سابق، جناب آقای محمدعلی رجایی - ائده الله تعالی - را به ریاست جمهوری کشور اسلامی ایران برگزیده و این مسئولیت بزرگ و بار سنگین را بر عهده او گذاشته است. و چون مشروعیت آن باید با اینجانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم، و مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم الشان در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند و از فرامین الهی و قانون اساسی تخطی نمایند، این نصب و تنفیذ به قوت خود باقی است.»

ایشان ادامه دادند: «اگر خدای ناخواسته بر خلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهم گرفتو باید ایشان توجه داشته باشند و از عمل ملت دریافته باشند که ملت دلاور نیز رأی خود را بر این اساس به ایشان داده اند، و من امیدوارم که در حفظ این امانت الهی و مسئولیتی که ملت بر عهده ایشان گذاشته است، با تمام توان کوشش نموده و از آن پاسداری نمایند و وفادار به پیمان خود در مقابل خداوند مقتدر حاضر و ناظر و ملت حاضر در صحنه و مراقب احوال و اوضاع باشند و به فرمان خداوند تبارک و تعالی - که مؤمنان را به رحمت و عطاوت در بین خود و شدت در مقابل کفار و مخالفان اسلام دعوت فرموده است تمام جدیت عمل کرده و در عمل به حق از کسی و از ملامت بدخواهان نهراسند.»

رهبر فقید انقلاب اسلامی تصریح کردند: «در نظارت برقوای ثلاثه، طرف حق را در نظر گیرند و در خدمت به خلق خدا، خصوصاً توده های مستضعف، احساس غرور و سرافرازی نمایند، که اینانند وفاداران به اسلام و هواداران جمهوری اسلامی. و امید است در این موقع که دشمنان خارج و داخل دست به دست هم داده تا جمهوری اسلامی را به تباهی کشند، قشرهای مختلف ایران از علما و متفکران و محققان گرفته تا قوای مسلح و از دهقانان و کارگران و کارمندان و کارفرمایان تا بازرگانان و بازاریان و عشایر و سرحدنشینان، همفکر و هم صدا با رئیس جمهور محترم و دولت و مجلس و سایر ارگانهای اسلامی دست جنایتکاران و خائنان را قطع و در تشو تأیید جمهوری اسلامی کوشا بوده و در ساختن ایرانی مستقل و آزاد فداکار باشند و با وحدت کلمه به کشور خود و مردم محروم آن خدمت کنند.»

منابع:

صحیفه امام جلد ۱۵ ص ۶۷ و ۶۸

سینایی، «شهید رجایی و دشواری های مبارزه»، ص ۲۱

رجایی، سیره شهید رجایی، ۱۳۷۸ش، ص ۶۰۴&۳۵۹

راعی گلوجه، زندگی نامه سیاسی شهید رجایی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱

رجایی، «زندگی من: زندگی خودنوشت شهید محمدعلی رجایی»، ص ۷۲

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، شهید محمدعلی رجایی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰